

رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی در بین زنان ۲۵-۴۴

سال شهر شیراز

سیروس احمدی^۱، لیلا دوکوهکی^۲، محمد حاجی پور^۳

چکیده

کیفیت زندگی در ایران بویژه در بین زنان، در وضعیت مطلوبی نیست. با توجه به اینکه تحقق کیفیت زندگی در شاخص‌های عینی و ذهنی، پیوند نزدیکی با آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی‌شان دارد، این تحقیق تلاش کرده است تا رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی را مورد بررسی قرار دهد. روش انجام پژوهش، پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، زنان ۲۵-۴۴ سال شهر شیراز می‌باشد که ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه-گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق جهت سنجش کیفیت زندگی، پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (*WHOQOL*) است و ابزار تحقیق جهت سنجش آگاهی از حقوق شهروندی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته و مشتمل بر سه بُعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که با استفاده اعتبار محتوا تعیین اعتبار شده و با استفاده از آزمون مجدد، تحلیل پایایی گردید. نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهند، کیفیت زندگی زنان در سطح متوسط است. نتایج تحلیلی تحقیق نشان دادند، رابطه معنادار و مثبتی بین آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی وجود دارد. به علاوه، در بین متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی، تنها متغیر تحصیلات دانشگاهی رابطه معناداری با کیفیت زندگی دارد. نتیجه‌گیری این تحقیق این است که در راستای ارتقای کیفیت زندگی زنان باید آگاهی آنان از حقوق شهروندی‌شان که در قانون اساسی کشور انعکاس یافته است، افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، حقوق شهروندی، زنان، شیراز.

^۱ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

مقدمه

کیفیت زندگی، نام جدیدی برای یک مفهوم قدیمی است که در طول زمان تغییر کرده است (Zhao, 2004, p13). به همین خاطر ادبیات گسترده‌ای در مورد کیفیت زندگی وجود دارد که به صورت یکپارچه نیست و اتفاق نظر کمی روی معنا و مفهوم آن وجود دارد (Coverdill, 2011, p784) و معنی آن مبتنی بر بستری است که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (Zokaie and Roshanfeker, 2006, p3). به این ترتیب، تعریف آن تا حد زیادی به کسی که آن را تعریف می‌کند، بستگی دارد (Arinez, 2009, p5). پسون (۲۰۰۳: ۱۹) کیفیت زندگی را برای اشاره به محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (مانند آلودگی هوا و آب، فقر و...) و نیز برخی ویژگی‌های خود مردم (مانند دستاوردهای بهداشتی و آموزشی و...) بکار می‌برد. دینر و همکاران (۱۹۹۹) کیفیت زندگی را شامل فرایندهای شناختی فرد (ادراکات، افکار و احساسات) در مورد شرایط زندگی و واکنش‌ها نسبت به آن تعریف می‌کنند. سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۸: ۵) کیفیت زندگی را ادراکات افراد از وضعیت‌شان در زندگی در متن فرهنگ و نظام‌های ارزشی و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌های‌شان تعریف می‌کند. کیفیت زندگی در قالب رویکرد اقتصادی، اغلب بوسیله معیارهای کمی و عینی همچون درآمد ملی، سطح دستمزد، عرضه خدمات بهداشتی-آموزشی و میزان بیکاری ارزیابی می‌گردد (Liu, 1976). اما بتدریج در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بر ویژگی‌های ذهنی آن همچون احساس رضایت، شادی و خوشبختی تأکید گردید (Veenhoven, 194, p34). جدا از اینکه کیفیت زندگی چگونه باید تعریف گردد، این مفهوم شاخص مناسبی از جایگاه فرد در جامعه و برخورداری او از امکانات و مواهب مادی و غیرمادی است (Phillips, 2006). به عبارت دیگر، کیفیت زندگی توصیفی است از وضعیت بهزیستی جسمانی، احساسی، اجتماعی و توانایی انجام امور زندگی روزمره و تنها برخورداری از امکانات و مواهب مادی نیست و سلامت روان، امنیت، فراغت، روابط اجتماعی سالم، شادکامی، رضایت درونی را نیز شامل می‌شود (Schalock, 2004; Hagerty et al., 2001). به زعم شوسلر و فیشر (۱۹۸۵: ۱۲۹) کیفیت زندگی، هدف توسعه است و شاخص مناسبی جهت سنجش عملکرد و نتایج سیاست‌ها و برنامه‌هاست. حسب مستندات، کیفیت زندگی بویژه در جامعه شهری ایران مطلوب نیست (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ فرجی ملایی و همکاران، ۱۳۸۹؛ نجات و همکاران، ۱۳۸۶) و زنان به لحاظ برخی شاخص‌های کیفیت زندگی با وضعیت حادثتری مواجه هستند (Nabavi & Mohammadi, 2014; Esmaeili Shahmirzadi et al., 2012; Nejat et al., 2006; Nejat, 2008).

کیفیت زندگی، برحسب عوامل مختلفی همچون وضعیت اقتصادی-اجتماعی (Hendry & McVittie, 2004)، سرمایه اجتماعی (Kim & Kawachi, 2007)، موسیقی (Coffman & Adamec, 1999)، محیط مسکونی (Auh, 2005) و آموزش (Campbell et al., 1976) تبیین شده

است، اما همچنین به نظر می‌رسد، پیوند نزدیکی با آگاهی از حقوق شهروندی دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شهروندی به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات در یک جامعه ملی، یکی از نهادهای اساسی جوامع معاصر است. افراد جامعه در رابطه با دولت، دارای سه گونه حقوق مدنی (آزادی‌های شخصی، آزادی بیان، اندیشه، دین، عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قرارداد، حق برخورداری از قضاوت عادلانه قانونی)، سیاسی (حق رأی، مشارکت در امور سیاسی و کسب مقام‌های سیاسی) و اجتماعی (برخورداری از آموزش، بهداشت، مسکن، مستمری بازنشستگی، بیمه بیکاری و...) هستند (Marshall, 1973) و در برابر این حقوق، ملزم به برخی تعهدات و تکالیف در قبال دولت و جامعه (پرداخت مالیات، رأی دادن، اطاعت از قوانین، وطن‌دوستی، مسوولیت‌پذیری، مشارکت و...) هستند (Fitzpatrick, 2005). تحقق و توسعه فرهنگ شهروندی، مستلزم آگاهی از حقوق شهروندی است؛ آگاهی از حقوق شهروندی به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهدات حاکمیت است (Pourezzat et al, 2010, p.13). به عبارت دیگر، آگاهی از حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از افکار، عقاید و حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هر آنچه که در وسیع‌ترین معنا به امور عمومی اعم از سیاسی و یا اجتماعی مربوط می‌شود، است (Akhtar Mohagheghi, 2006). آگاهی از حقوق شهروندی هم باعث می‌شود مطالبه‌گری از دولت در راستای اعطاء حقوق شهروندی افزایش یابد و هم با افزایش تعهدات شهروندان به دولت و جامعه، مشارکت را در حوزه‌های مختلف افزایش می‌دهد. شاخص‌های عینی (همچون متوسط درآمد، برخورداری از بیمه، نرخ باسوادی و...) و ذهنی کیفیت زندگی (همچون رضایت از زندگی و شادکامی) هم متأثر از عملکرد دولت‌ها در گسترش دموکراسی، برابری اجتماعی (Carr, 2004) و افزایش تولید و ثروت ملی (Diener, 2000) است و هم متأثر از مشارکت اجتماعی شهروندان (Mayer, 2000) که خود محصول آگاهی از حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی در هر کشور در قانون اساسی آن کشور متجلی می‌گردد؛ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ اصل به حقوق سیاسی، ۸ اصل به حقوق اجتماعی و ۱۴ اصل به حقوق مدنی اختصاص یافته‌اند (Hezarjaribi & Amanian, 2011) و به طور خاص، در اصل سوم (بویژه بندهای ۳ و ۸ و ۱۴)، اصل نوزدهم، اصل بیست و نهم، اصل سی‌ام، اصل سی و یکم، اصل سی و چهارم، اصل سی و پنجم و اصل چهل و یکم، آشکارا بر برابری حقوق زنان و مردان در حوزه‌های مختلف تأکید شده است. حتی در حوز حقوق سیاسی، در تعیین ترکیب اعضاء شورای نگهبان (اصل ۹۱)، تعیین رهبری یا شورای رهبری (اصل ۱۰۷)، انتخاب رئیس‌جمهور (اصل ۱۱۵)، انتخاب رئیس قوه قضائیه (اصل ۱۵۷) و غیره، جنسیت به عنوان شرط انتخاب عنوان نشده (Bahrami & Arya, 2010) و عملاً آنچه باعث شده زنان در حقوق سیاسی دچار برخی کاستی‌ها و محدودیت‌ها شوند، عُرف بوده است نه قانون اساسی. با این تفصیل، آگاهی از حقوق شهروندی که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته

است، می‌تواند به بهبود شرایط محیطی، روابط اجتماعی، سلامت جسمی و سلامت روانی زنان، در جامعه‌ی مردسالار ایران کمک کند.

اگرچه، بررسی رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی کمتر مورد توجه بوده است، اما با این حال می‌توان از برخی پژوهش‌ها را نام برد که کم‌وبیش به این مبحث توجه کرده‌اند؛ احمدی و همکاران (Ahmadi & et al. 2014) با بررسی تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر پاسخگویی و عملکرد سازمان زیباسازی در منطقه‌ی شش شهر تهران نشان دادند رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و طی آن، با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی، پاسخگویی سازمان‌ها به شهروندان افزایش می‌یابد. پورعزت و همکاران (Pourezzat & et al. 2013) با بررسی رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و پاسخگویی و شفافیت سازمان‌ها در منطقه‌ی سه شهر تهران نشان دادند آگاهی از حقوق شهروندی باعث شکل‌گیری مشارکت فعال شهروندان می‌شود و مشارکت فعال شهروندان باعث افزایش شفافیت و پاسخگویی در عملکرد شهرداری می‌شود. عنایتی و همکاران (Enayati & et al. 2012) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و رفتار اجتماعی دانشجویان در دانشگاه‌های آزاد نشان دادند با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی، رفتارهای اجتماعی نامطلوب کاهش می‌یابد. اریکسون و وینسون (Ericson & Vinson, 2012) در پژوهشی بر روی شهروندان استرالیایی نشان دادند رابطه‌ی معناداری بین میزان برخورداری از حقوق انسانی و احساس خوشبختی (به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی ذهنی کیفیت زندگی) وجود دارد. ویتزشاپیرو و وینترز (Weitz-Shapiro & winters, 2008)، در پژوهشی در خصوص مشارکت سیاسی و کیفیت زندگی با بررسی تحقیقات موجود در این زمینه نشان می‌دهند برخورداری از مشارکت سیاسی (به عنوان یکی از حقوق سیاسی) می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی، شادی و به طور کلی، کیفیت زندگی شود. بلایس و گلینو (Blais & Gélinau, 2007) با بررسی رفتار رأی‌داهن بر رضایت از زندگی در بین شهروندان کانادایی نشان دادند رأی‌داهن باعث افزایش معنادار رضایت از زندگی شده است. فرای و استوتزر (Frey & Stutzer, 2000) با بررسی مشارکت سیاسی و اثر آن بر بهزیستی فردی در نیوزلند نشان دادند مشارکت سیاسی می‌تواند بهزیستی فردی را ارتقاء دهد.

با توجه به رابطه‌ی منطقی آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی و نیز کمبود محسوس تحقیقات علمی در این زمینه از یک سو و ضرورت ارتقاء کیفیت زندگی زنان از سوی دیگر، پژوهش حاضر تلاش کرده است. رابطه‌ی آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی را در شهر شیراز بررسی و به این سؤال پاسخ دهد که آیا آگاهی از حقوق شهروندی می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی کمک کند؟

روش‌شناسی

روش پژوهش با توجه به اهداف، پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق، زنان ۲۵-۴۴ سال شهر شیراز می‌باشد که طبق سرشماری نفوس و مسکن کشور (SCI, 2012) تعداد آن ۲۷۹۰۴۵ نفر است. با استناد به فرمول نمونه‌گیری کوکران (۱۹۷۷) و تعیین مقادیر $p=0/5$ ، $q=0/5$ ، $t=1/96$ ، $d=0/05$ اندازه نمونه ۳۸۴ نفر است؛ اما در راستای دستیابی به برآوردی دقیق‌تر از این میزان به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. جهت انتخاب نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده و در ۹ منطقه شهرداری به زنان مورد نظر مراجعه و به شرط تمایل به مشارکت در تحقیق با آنها مصاحبه و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید. ابزار تحقیق جهت سنجش آگاهی از حقوق شهروندی پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته و دارای ۳۳ آیتم است که با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب سه بُعد حقوق مدنی (شامل آزادی بیان، مصونیت از تعرض، برابری در قانون، ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، زبان و عقیده و ...) با ۱۴ آیتم، حقوق سیاسی (مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک شامل حق رأی و تصدی مقام سیاسی، آزادی گردهمایی، تشکیل انجمن، آزادی اطلاعات و ...) با ۱۱ آیتم و حقوق اجتماعی (حق کارکردن، برابری در فرصت‌ها، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و ...) با ۸ آیتم، تنظیم شده‌اند. هریک از سؤالات به صورت چهار گزینه‌ای ارائه شده‌اند که یکی از گزینه‌ها صحیح و سایر گزینه‌ها غلط هستند (مثلاً دادرسی عادلانه حق کدام یک از شهروندان است؟ الف: همه شهروندان، ب: شهروندان خوب، پ: شهروندان تابع مذهب رسمی کشور، ت: شهروندانی که توانایی انتخاب وکیل ندارند). بر همین اساس، پاسخگو با انتخاب گزینه صحیح نمره ۴ و با انتخاب سایر گزینه‌ها نمره صفر دریافت می‌کند. بر این اساس، دامنه نمرات پرسشنامه حقوق شهروندی بین ۰ تا ۱۳۲ می‌باشد. این پرسشنامه که محتوای آن با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنظیم گردیده، با استفاده از اعتبار محتوا و نظرات داوران متخصص، تعیین اعتبار شده و پایایی آن با استفاده از روش آزمون مجدد بر روی ۱۵٪ از نمونه‌ها (۶۰ نفر) در فاصله زمانی دو هفته تا یک ماه پس از مرحله اول جمع‌آوری داده‌ها، مورد محاسبه قرار گرفت که ضریب همبستگی دو مرحله، جهت کل پرسشنامه (۰/۸۵)، آگاهی از حقوق مدنی (۰/۸۴)، آگاهی از حقوق سیاسی (۰/۸۲) و آگاهی از حقوق اجتماعی (۰/۷۲) است. ابزار تحقیق جهت سنجش کیفیت زندگی، پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHO, 1996) است؛ این پرسشنامه دارای ۲۶ آیتم و مشتمل بر چهار بُعد سلامت جسمی (۷ آیتم)، سلامت روانی (۶ آیتم)، روابط اجتماعی (۳ آیتم) و سلامت محیطی (۸ آیتم) است. سؤال اول (کیفیت زندگی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟) و سؤال دوم (چقدر از سلامت خود راضی هستید؟) به هیچ‌یک از ابعاد تعلق ندارند. آیتم‌های این پرسشنامه، در سطح سنجش ترتیبی پنج درجه‌ای (از کاملاً موافق=۵ تا کاملاً مخالف=۱) هستند و دو گویه اول، سؤالاتی

کلی و مربوط به هیچ‌یک از ابعاد نیستند. دامنه نمرات این مقیاس بین ۲۴ تا ۱۲۰ است که پس از استانداردسازی، دامنه نمرات بین ۱۶ تا ۸۰ قرار می‌گیرد و دامنه نمرات هریک از ابعاد بین ۴ تا ۲۰ می‌باشد. این مقیاس در ایران توسط نجات و همکاران (Nejat et al. 2006) هنجاریابی شده و اعتبار و پایایی آن به روش تحلیل عاملی و ضریب آلفای کرانباخ مورد محاسبه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفا کرانباخ مورد سنجش قرار گرفت که میزان آن در سلامت جسمی (۰/۷۷)، سلامت روانی (۰/۶۹)، روابط اجتماعی (۰/۵۲) و سلامت محیطی (۰/۷۱) است.

یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های توصیفی تحقیق که در جدول شماره ۱ منعکس شده است، به لحاظ وضعیت تأهل، بخش اعظم پاسخگویان را زنان متأهل تشکیل می‌دهند. به لحاظ سنی میانگین سن پاسخگویان ۳۶/۵ سال است و اکثریت پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۳۴ قرار دارند. به لحاظ وضعیت اشتغال، بخش اعظم پاسخگویان را زنان غیرشاغل تشکیل می‌دهند. و بالاخره، به لحاظ تحصیلات، بخش اعظم پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند. براساس یافته‌های توصیفی تحقیق، وضعیت کیفیت زندگی در بین زنان بر روی دامنه نمرات از ۱۶ تا ۸۰ برابر با ۵۶/۱ است. کیفیت زندگی در هریک از ابعاد چهارگانه بر روی دامنه استاندارد شده از ۴ تا ۲۰ به ترتیب برای سلامت جسمی (۱۶/۸)، سلامت روانی (۱۲/۷)، روابط اجتماعی (۱۳/۸) و سلامت محیط زندگی (۱۲/۷) است. به علاوه، آگاهی از حقوق شهروندی بر روی دامنه ۳۳ تا ۱۳۲ برابر با ۷۴/۹ می‌باشد. آگاهی از حقوق شهروندی در بُعد حقوق مدنی بر روی دامنه نمرات صفر تا ۵۶ برابر با ۳۰، در بُعد حقوق سیاسی بر روی دامنه نمرات از صفر تا ۴۴ برابر با ۲۲/۸ و در بُعد حقوق اجتماعی بر روی دامنه نمرات از صفر تا ۳۲ برابر با ۲۲/۸ است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

مقوله‌ها	فراوانی	درصد
وضع تأهل	مجرد	۱۳۶
	متأهل	۲۶۴
وضع اشتغال	شاغل	۱۳۵
	غیرشاغل	۲۶۵
گروه سنی	۲۵-۲۹	۱۰۲
	۳۰-۳۴	۱۲۲
	۳۵-۳۹	۷۲
	۴۰-۴۴	۱۰۴
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۵۱
	دیپلم	۱۵۶
	دانشگاهی	۲۰۳

یافته‌های تحلیلی

جهت سنجش رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی با توجه به سطوح سنجش متغیرها از ماتریس همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است. بر طبق جدول شماره ۲، رابطه معناداری بین آگاهی از حقوق شهروندی با کیفیت زندگی ($r=0/14$) وجود دارد. به علاوه، بین آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد سلامت جسمی ($r=0/25$) و روابط اجتماعی ($r=0/12$) وجود دارد، اما رابطه معناداری بین آگاهی از حقوق شهروندی با سلامت روانی و سلامت محیط وجود ندارد. بررسی رابطه ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی با ابعاد کیفیت زندگی بیانگر این است که آگاهی از حقوق مدنی، رابطه معناداری با سلامت جسمی ($r=0/25$) و روابط اجتماعی ($r=0/14$) دارد، اما با سلامت روانی و محیط اجتماعی رابطه معناداری ندارد. آگاهی از حقوق سیاسی رابطه معناداری با سلامت جسمی ($r=0/15$) و سلامت روانی ($r=0/10$) دارد، اما با روابط اجتماعی و سلامت محیط، رابطه معناداری ندارد و بالآخره، آگاهی از حقوق اجتماعی رابطه معناداری با سلامت جسمی ($r=0/12$) و روابط اجتماعی ($r=0/16$) دارد و با سلامت روانی و سلامت محیط رابطه معناداری نشان نمی‌دهد. براساس داده‌های جدول شماره ۳، رابطه مثبت و معناداری بین آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی وجود دارد و طی آن با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی، کیفیت زندگی زنان ارتقاء یافته است.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. آگاهی از حقوق شهروندی	-								
۲. حقوق مدنی	**	-							
	۰/۷۷								
۳. حقوق سیاسی	**	**	-						
	۰/۷۵	۰/۵۹							
۴. حقوق اجتماعی	**	**	**	-					
	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۶۴						
۵. کیفیت زندگی	**	**	*	**	-				
	۰/۲۸	۰/۲۷	۰/۱۰	۰/۰۵					
۶. سلامت جسمی	**	**	**	*	**	-			
	۰/۴۰	۰/۴۶	۰/۳۰	۰/۱۳	۰/۷۹				
۷. سلامت روانی	**	**	*	**	**	**	-		
	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۱۹	۰/۰۶	۰/۷۳	۰/۵۴			
۸. روابط اجتماعی	*	**	**	**	**	**	**	-	
	۰/۲۰	۰/۲۷	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۷۸	۰/۳۸	۰/۵۶		
۹. سلامت محیط	**	*	*	*	**	**	**	**	-
	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۶۶	۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۴۰	

Correlation is significant at the 0.05 Level*

Correlation is significant at the 0.01 Level**

جدول شماره ۳: بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی با استفاده از تحلیل

رگرسیون

متغیرها	R	R2	F	Sig	Beta	t	Sig
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۲۸	۰/۰۷۸	۱۷/۲	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۴/۶	۰/۰۰۰
کیفیت زندگی							

به منظور بررسی رابطه مجموع متغیرهای مستقل با کیفیت زندگی و تعیین اینکه متغیرهای مستقل در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین کیفیت زندگی هستند و کدام یک از آنها اثر قوی‌تری دارد، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۳ انعکاس یافته است. براساس داده‌های جدول شماره ۳، ضریب همبستگی چندگانه برابر است با ۰/۵۲ است و ضریب تعیین با ۰/۲۷ که نشان می‌دهد مجموع متغیرهای مستقل، می‌توانند ۲۷٪

واریانس کیفیت زندگی را تبیین نمایند. براساس ضرایب بتای استانداردشده، آگاهی از حقوق مدنی ($\beta=0/31$ $t=5/9$ $Sig=0/000$)، آگاهی از حقوق اجتماعی ($\beta=0/21$ $t=3/8$ $Sig=0/000$)، و تحصیلات ($\beta=0/19$ $t=3/2$ $Sig=0/000$) به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین کیفیت زندگی دارند و متغیرهای آگاهی از حقوق سیاسی، سن، وضع اشتغال و وضع تأهل، رابطه‌ی معناداری با کیفیت زندگی شهروندان نشان نمی‌دهند.

جدول شماره ۴: تبیین کیفیت زندگی براساس مجموع متغیرهای مستقل

Sig	t	β	B	Sig	F	R ²	R	
0/021	2/3	-	17/1					مقدار ثابت
0/000	5/9	0/31	4/1					حقوق مدنی
0/136	1/5	0/07	0/93					حقوق سیاسی
0/000	3/8	0/20	7/5					حقوق اجتماعی
0/065	1/9	0/10	1/6	0/000	15/7	0/27	0/52	سن
0/002	3/2	0/20	-1/3					تحصیلات دانشگاهی
0/071	1/82	0/10	0/65					وضع اشتغال
0/549	-0/60	-0/04	-0/27					وضع تأهل

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق به منظور بررسی رابطه‌ی بین آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی در بین زنان ۲۵-۴۴ سال شهر شیراز صورت گرفت. براساس یافته‌های توصیفی تحقیق، کیفیت زندگی زنان در سطح متوسط (رو به بالا) است. این یافته‌ی تحقیق با نتایج پژوهش نبوی و همکاران (Nabavi et al. 2014)، اسماعیلی شهمیرزادی و همکاران (Esmaeili Shahmirzadi et al. 2012)، فرجی‌ملایی و همکاران (Faraji Molaie et al. 2010) و نجات و همکاران (Nejat et al. 2008) که نشان دادند کیفیت زندگی زنان در وضعیت مطلوبی نیست، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند. این یافته‌ی تحقیق بیانگر این است که زنان به لحاظ سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط زندگی، ارزیابی مطلوبی از خود نداشته‌اند و تنها در حوزه سلامت جسمی نمرات مناسبی کسب کرده‌اند که این امر نیز احتمالاً ناشی از گروه سنی مورد مطالعه (زنان ۲۵ تا ۴۴ سال) است که به دلیل ساختار جسمی، کمتر در معرض بیماری‌ها قرار دارد.

براساس یافته‌های تحلیلی تحقیق، رابطه‌ی مثبت و معناداری بین آگاهی از حقوق شهروندی و کیفیت زندگی وجود دارد و طی آن با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی، کیفیت زندگی ارتقاء یافته است. این یافته‌ی تحقیق با نتایج پژوهش احمدی و همکاران (Ahmadi & et al. 2014) در تهران که نشان دادند با افزایش آگاهی از حقوق شهروندی، پاسخگویی سازمان‌ها به شهروندان

افزایش می‌یابد، پورعزت و همکاران (Pourezzat & et al. 2013) در تهران که نشان دادند آگاهی از حقوق شهروندی باعث افزایش شفافیت و پاسخگویی در عملکرد شهرداری می‌شود، اریکسون و وینسون (Ericson & Vinson, 2012) در استرالیا که نشان دادند رابطه‌ی معناداری بین میزان برخورداری از حقوق انسانی و احساس خوشبختی (به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی ذهنی کیفیت زندگی) وجود دارد، ویتز شاپیرو و وینترز (Weitz-Shapiro & winters, 2008) که نشان دادند برخورداری از مشارکت سیاسی (به عنوان یکی از حقوق سیاسی) می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی، شادی و به طور کلی کیفیت زندگی شود و بالأخره، بلایس و گلینو (Blais & Gélinau, 2007) در کانادا که نشان دادند رأی‌دادن باعث افزایش معنادار رضایت از زندگی می‌شود، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند. یافته‌ی تحقیق حاضر بیانگر این است که تحقق کیفیت زندگی زنان و به عبارتی افزایش رضایت‌مندی آنها از سلامت جسمی، سلامت روانی، سلامت محیط زندگی و روابط اجتماعی‌شان، مستلزم آگاهی بیشتر زنان از حقوق شهروندی‌شان است که در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی در قانون اساسی برای آنها پیش‌بینی شده است؛ در قانون اساسی ایران، در اصول متعدده، آشکارا بر برابری زنان و مردان تأکید شده (Bahrami & Arya, 2010) و این امر بیانگر این است که زنان در متن قانون از حقوق شهروندی مناسبی برخوردارند که آگاهی از آنها می‌تواند زنان را در حوزه‌های مختلف توان‌مندتر سازد و از این طریق کیفیت زندگی‌شان را ارتقاء بخشد. لازم به توضیح است در تبیین کیفیت زندگی براساس مجموع متغیرهای مستقل، آگاهی از حقوق سیاسی سهم معناداری در پیش‌بینی کیفیت زندگی ندارد که این امر احتمالاً ناشی از آن است که زنان در حوزه‌ی حقوق سیاسی بواسطه‌ی عرف، از تصدی برخی سمت‌ها و موقعیت‌ها همانند شورای نگهبان (اصل ۹۱)، رهبری یا شورای رهبری (اصل ۱۰۷)، ریاست جمهوری (اصل ۱۱۵)، ریاست قوه قضائیه (اصل ۱۵۷) و غیره، علی‌رغم اینکه قانون اساسی صراحتاً بر جنسیت به عنوان شرط انتخاب تأکید نکرده است، محروم شده‌اند و به دلیل ساختار مردسالارانه جامعه، امید چندانی به تغییر و دگرگونی در وضعیت فعلی ندارند؛ در نتیجه، حتی آگاهی از این حقوق نتوانسته است به ارتقاء کیفیت زندگی آنها کمک کند.

براساس یافته‌های تحقیق، متغیرهای سن، وضع اشتغال و وضع تاهل، ارتباط معناداری با کیفیت زندگی زنان ندارند؛ به عبارت دیگر، افزایش یا کاهش سن، شاغل یا غیرشاغل بودن و مجرد یا متأهل بودن، تأثیری بر کیفیت زندگی ندارند، اما تحصیلات دانشگاهی باعث ارتقاء کیفیت زندگی شده است و طی آن با تغییر تحصیلات از کمتر از دیپلم، یا دیپلم، به دانشگاهی، کیفیت زندگی ارتقاء یافته است. این یافته‌ی تحقیق به دو دلیل منطقی است؛ اول، افزایش تحصیلات زنان به طور طبیعی توانایی‌های شناختی و مهارت‌های آنان را افزایش می‌دهد و همین امر به راحتی می‌تواند در سلامت جسمی، سلامت روانی، سلامت محیطی و روابط اجتماعی زنان تأثیرگذار باشد. دوم اینکه با

افزایش تحصیلات زنان، میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی‌شان که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، افزایش می‌یابد؛ افزایش آگاهی از حقوق شهروندی به طور طبیعی توان‌مندی‌ها را افزایش می‌دهد و همین امر نیز می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی در حوزه‌های مختلف کمک کند.

Archive of SID

References

Ahmadi, S., Mirfardi, A. and Ebtekari, M. H. (2013). *The social capital impact on quality of life in Yasouj. Socio-Cultural Strategy Quarterly*, 5(17): 135-158. (Text in Persian)

Ahmadi, M., Porahmad, A. and Hatami Nejad, H. (2014). *Analysis of the impact of citizenship awareness in accountability and performance of aestheticization organization for improving urban landscape. Case study: zone 6th of Tehran. Geographical Space Quarterly Journal*, 3(10): 1-22. (Text in Persian)

Akhtar Mohagheghi, M. (2006). *Social capital. Tehran, Akhtar Mohagheghi Publication.* (Text in Persian)

Arinez, I. (2009). *The development of quality of life index at a county level: Quality of Life Index for Arkansas Counties (QLAC). Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Public Policy, University of Arkansas.*

Auh, S. (2005). *An investigation of the relationships between quality of life and residential environments among rural families. Ames: Iowa State University.*

Bahrami, F. and Arya, M. (2010). *The place of women in the constitution of Islamic Republic of Iran. Shiite Women Journal*, 5(18): 123-146. (Text in Persian)

Blais, A. and Gélinau, F. (2007). *Winning, losing and satisfaction with democracy. Political Studies*, 55: 425-41.

Campbell, A., Converse, P. E. and Rogers, W. L. (1976). *The quality of American life: Perceptions, evaluations and satisfaction. New York: Russell-Sage.*

Carr, A. (2004). *Positive psychology: The science of happiness and human strengths. New York, Brunner-Routledge.*

Coverdill, J. E., Carlos, A. and López, M. A. (2011). *Race, ethnicity and the quality of life in America: 1972-2008. Social Forces*, 89(3): 783-806.

Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E. and Smith, H. L. (1999). *Subjective well-being: Three decades of progress. Psychological Bulletin*, 125(2): 276-302.

Diener, E. (2000). *Subjective well-being. American Psychologist*, 55(10): 34-43.

Ericson, M. and Vinson, T. (2012). *Life satisfaction and happiness. Richmond, Jesuit Social Services.*

Enayati, T., Arasteh, H. R., Zamani, F. Nezafti Payani, Y. (2012). *The relationship between students' awareness of citizenship rights with social behavior. Journal of Ethics in Science and Technology*, 7(2): 5-17. (Text in Persian)

Esmaeili Shahmirzadi, S., Shojaeizadeh, D., Kamal, A., Leili, S. and Aza, T. (2012). *The impact of chronic diseases on the quality of life among the elderly people in the east of Tehran. Payavarde Salamat*, 6(3): 225-235. (Text in Persian)

Faraji Molaie, A., Azimi, A. and Ziari, K. A. (2010). *Analysis of quality of life in urban areas. Research and Urban Planning Journal*, 1(2): 1-16. (Text in Persian)

Fitzpatrick, T. (2005). *New theories of welfare. Palgrave Macmillan Education Publication.*

Frey, B. S. and Stutzer, A. (2000). *Happiness prospers in democracy. Journal of Happiness Studies*, No. 1: 79-102.

Hezarjaribi, J. and Amanian, A. (2011). *Women's awareness about citizenship rights and the effective factors on it. Urban- Regional Studies and Research*, 3(9): 1-18. (Text in Persian)

Hagerty, M. R., Cummins, R. A., Abbott, L. F., Kennethland, A. C., Michalos, M., Peterson, A., Sharpe, J. S., Joachim, V. (2001). *Quality of life indexes for national policy: Review and Agenda for Research. Social Indicators Research*, 55:1-96.

Hendry, F. and McVittie, E. C. (2004). *Is a quality of life a healthy concept? Measuring and understanding life experiences of older people. Qualitative Health Research*, 14(7).

Kim, D. and Kawachi, I. (2007). *US state-level social capital and health related quality of life: Multilevel evidence of main, mediating and modifying effects. Annals of Epidemiology*, 17(4): 258-269.

Liu, B. C. (1976). *Quality of life indicators in US metropolitan areas: A statistical analysis. New York: Praeger.*

Marshal, T. H. (1973). *Class, Citizenship and social development. London, Westport, Greenwood Press.*

Mayer, D. G. (2000). *The funds, Friends and faith of happy people. American Psychologist*, 55: 56-67.

Morgan, D. W. and Krijcie, R. V. (1970). *Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement*, No. 30: 607-610.

Nabavi, H., Mohammadi, S. and Rashedi, V. (2014). Health related quality of life in community dwelling older adults of Bojnourd. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 6(2): 433-439. (Text in Persian)

Nejat, S., Montazeri, A., Holakouie Naieni, K., Mohammad. K and Majdzade, S. R. (2006). The world health organization quality of Life (WHOQOL-BREF) questionnaire: Translation and Validation Study of the Iranian Version. *Journal of School Public and Institute of Public Health Research*, 4(4): 1-12. (Text in Persian)

Nejat, S. (2008). Quality of life and its measurement. *Iranian Journal of Epidemiology*, 4(2): 57-62. (Text in Persian)

Pacione, M. (2003). Urban environmental quality and human well-being, a social geographical perspective. *Landscape and Urban Planning Journal*, 65:19-30.

Phillips, D. (2006). *Quality of life: Concept, policy and practice*. London, Routledge.

Pourezzat, A. A., Gholipor, A. and Baghestani, H. (2013). The relationship between citizens' awareness of the citizenship rights and organization's accountability and transparency. *Social Welfare Journal*, 10(38): 7-40. (Text in Persian)

Schalock, R. L. (2004). The concept of quality of life: What we know and don't know. *Journal of Intellectual Disability Research*, 48(3): 203-216.

Schuessler, K. F. and Fisher, G. A. (1985). Quality of life research and sociology. *American Review of sociology*, No. 11: 129-149.

Statistical Center of Iran. (2012). *National population and housing census*, Tehran, SCI Pulication. (Text in Persian)

Veenhoven, R. (1984). *Conditions of happiness*. Kluwer Academic, Dordrecht/Boston.

World Health Organization. (1996). *WHOQOL, Introduction, Administration, Scoring and generic version of the assessment*. Geneva, WHO Publication.

Weitz-Shapiro, R. winters, M. S. (2008). *Political participation and quality of life*. New York, Colombia University.

Zhao, B. (2004). *Perceptions of quality of life and use of human services by households: A model*. Dissertation, the Graduate School University of Kentucky.

Zokaie, M. S. and Roshanfekar, P. (2006). The relationship between social capital and quality of life in urban neighborhoods. Social Sciences Journal, No. 22: 1-37. (Text in Persian)

Archive of SID